



مری شیرد

رساله‌های بانوان در تاریخ فلسفه

آنتونیا لولوردو

فاطمه نوروزی

www.ketab.ir



سرشناسه
عنوان و نام پدید آور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
شماره افزوده
رده بندی
رده بندی
شماره کتابشناسی ملی

۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۶۷-۴

فیبا

علت و معلول، جسم و جان، دین

نوروزی، فاطمه، مترجم

BD۵۴۱

۱۲۰۰

۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۶۷-۴

شماره کتابشناسی ملی

رده بندی یکره

ردمندی

شماره افزوده

موضوع

وضعیت فهرست نویسی

شابک

Mary Shepherd

• مری شپرد

آنتونیا لولوردو

نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۶۷-۴

دبیر مجموعه: آزاده زارع

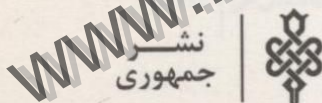
لیتوگرافی، چاپ: ستخافی: ترنج

طراحی جلد: یکتا

ویراستار: مجید خالقی

صفحه آرایی: تحریریه نشر جمهوری

حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد



دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخررازی، شهدای ژاندارمری غربی، شماره ۸۸

تماس: ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۹۶-۰۲۱۶۶۴۸۵۱۱۴

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰

تماس: ۰۲۱۳۳۹۳۰۳۹۰

 jomhooripub.com

 jomhooripublication

 nashre.jomhoori@gmail.com

فهرست

۹	مقدمه ناشر
۱۳	سخن نویسنده
۱۵	پیشگفتار
۲۲	۲ علّیت
۲۳	۱/۲ اصل علّی و چگونگی فهم ما از آن
۲۸	۲/۲ علت و معلول هم‌زمان هستند و کل علّیت پیوند ابژه‌های متعدد است
۳۱	۳/۲ اصل مشابهت با علت
۳۵	۴/۲ ریاضیات، فیزیک و ضرورت قوانین طبیعت
۳۸	۳. جهان بیرونی و چگونگی شناخت ما از آن
۳۹	۱/۳ شناخت نسبت به وجود یک جهان بیرونی
۴۳	۲/۳ بینایی
۴۶	۳/۳ محدودیت‌های شناخت ما از جهان بیرون
۵۱	۴ زندگی و ذهن
۵۲	۱/۴ شناخت از ذهنی پیوسته یا «خود»
۵۵	۲/۴ نسبت میان ذهن و بدن
۵۸	۳/۴ اذهان حیوانی و نقش ساختار
۶۰	۴/۴ زندگی پس از مرگ
۶۴	۵/۴ فردیت بخشیدن اذهان
۶۷	۵ دفاع شپرد از دین و دلالت‌هایش
۶۷	۱/۵ معجزات
۷۳	۲/۵ وجود خدا
۷۴	۳/۵ خلقت قدسی
۷۸	۶ نتیجه‌گیری: "نظریه تعدیل شده بارکلیانی" شپرد
۸۲	نمایه

مقدمه ناشر

«کاویدن»! این چیزی است که انسان را از سایر موجودات جهان متمایز می‌کند. ما به شکلی خستگی‌ناپذیر از لحظه تولد با کنجکاوی هرچه تمام‌تر در کار کاویدن هستی هستیم. نه همچون بره‌ای که در پی علف تازه است و نه مانند شاهینی که بال به پهنه آسمان می‌ساید و زمین را می‌کاود به دنبال شکار! ما از سر نیازهای زیستی، برای بقا نمی‌کاویم. کاوشگری تلاش است برای پاسخ به میل سیری‌ناپذیر ما برای دانستن. انسان خستگی‌ناپذیر و ناایست از نخستین روز پیدایش در کار شناختن تمام ارکان هستی است. او درباره چگونگی هرآنچه به چشم می‌بیند یا حتی آنچه تنها نشانه یا امکانی برای موجود بودن دارد «پرسش» آغاز می‌کند و دست به کار جست‌وجو می‌شود. وسعت جهان چقدر است؟ چند گونه از پرندگان در قطب زندگی می‌کنند؟ آیا کشتن یک انسان خطاست؟ اگر هیچ‌کس هرگز نمی‌مرد چه اتفاقی می‌افتاد؟ هستی چگونه بوجود آمده است؟ چه چیزهایی زیبا هستند؟ اگر خدا وجود نداشته باشد زندگی ما بی‌معنا می‌شود؟ آیا می‌توانیم جهان و پدیده‌های آن را بشناسیم؟

این پرسش‌ها در دو گستره دانش مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ علم (Science) که با تکیه بر مشاهده و آزمایش پاسخ‌هایی برای پرسش‌های حاصل از واکاوی جهان عینی به دست می‌دهد و فلسفه (Philosophy) که با تأمل و اندیشه درباره آنچه علم در

پاسخگویی بدان ناتوان است چراغ راه بشر می‌شود.

اما فلسفه چیست؟ (Philosophy) دوست‌داری دانش یا «خرد دوستی» واژه‌ای یونانی متشکل از دو خُردواژه (Philos) دوست‌داری و (Sophia) دانش است. تصور می‌شود این واژه نخستین بار توسط فیثاغورث (۵۷۰ پیش از میلاد) به کار گرفته شده است اما این افلاطون بود که فلسفه را در معنای امروز آن به کار برد. اگر دانشمند را فردی بدانیم که در تلاش برای شناخت عناصر ریز و درشت جهان فیزیکی است، فیلسوف سودای دستیابی به حقایق جهان‌شمول را در سر دارد. حقایقی که هر انسان اندیشمندی در هر مکان و زمانی آن را بپذیرد. از این روست که به گفته اریک متیوز، «فیلسوف وطنی ندارد». او در تلاشی پایان‌ناپذیر از دانشی که دانشمندان بدان دست‌یافته‌اند و اندیشه‌ای که پرورده فیلسوفان پیش از خود بوده است برای ارتقای اندیشه خویش درباره موضوعات اساسی مورد پرسش بهره می‌گیرد. پرسش‌های تازه طرح می‌کند، اندیشه‌های موجود و ممکن را به سنجش می‌گذارد و آنگاه که به پاسخ رسید، پرسش‌های دیگری می‌آفریند. به همین دلیل است که تا انسان وجود دارد فلسفیدن متوقف نخواهد شد.

این امر اما به آن معنا نیست که فلسفه تنها به گروه خاصی از مردم و البته، به گوشه کتابخانه‌ها یا تالارهای دانشگاه تعلق دارد. تمام تلاش فلسفه این است که با یافتن پاسخ‌های معقول‌تر برای پرسش‌های اساسی فراروی بشر، زندگی سعادتمندتر و آرام‌تری را برای همگان امکان‌پذیر کند. فلسفه می‌خواهد بداند انسان چگونه سعادتمند می‌شود و چگونه می‌توان در دستیابی به سعادت یاری‌گر او بود. بنابراین، فلسفه در بستر جامعه‌شناور و بر تمامی کنش‌ها و انفعالات ما تأثیرگذار است. افراد عادی، بی‌آنکه آگاه باشند مانند فیلسوفان از خود می‌پرسند آزادی چیست؟ آیا تحقق برابری موجب خوشبختی خواهد بود؟ آیا موجوداتی مانند جن وجود دارند؟

بنابراین، مردم عادی نیز اگرچه نه به موشکافی و دقت نظر یک فیلسوف اما همواره دست اندرکار «فلسفیدن» هستند. با این تفاسیر مطالعه آثار فیلسوفان می تواند به بسیاری از پرسش هایی که با آن دست و پنجه نرم می کنیم پاسخ دهد و یا دریچه تازه ای به روی اندیشه مان بگشاید.

با وجود ترجمه بسیاری از کتاب های برجسته فلسفه، مشاهده زبان تخصصی و دشواری در درک مباحث طرح شده افراد را از مطالعه دلسرد و منصرف می کند. در راستای رفع همین اشکال اراده قابل توجهی برای تهیه آثار قابل فهم تر و ساده سازی متون فلسفی به منظور استفاده افراد نا آشنا با فلسفه در میان ناشران شکل گرفته است.

انتشارات جمهوری نیز با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه فلسفه در جامعه یادگیرنده عصر حاضر در میان تازه ترین آثار خود مجموعه ای را به فلسفه اختصاص داده است. این مجموعه دربرگیرنده مضامینی همچون زنان در تاریخ فلسفه، نخستین و تأثیرگذارترین فیلسوفان زن، چگونگی فلسفی خواندن و فلسفی نوشتن، آغاز فلسفه آموزی برای مبتدیان و فلسفه کاربردی است.

امید است این مجموعه راهنمایی برای علاقه مندان به فلسفه و تمرینی برای مطالعه و فهم متون پیچیده فلسفی باشد. و مهم تر از همه باشد که خواندن این متون جرقه ای روشنگر اندشیدن شود که به گفته برتراند راسل «اندیشه، انقلاب می کند، از تخت به زیر می کشد و نابود می سازد».

انتشارات جمهوری

پیشگفتار

مدتی است که می‌گویند اگر مراد، بررسی فیلسوفان زن در جایگاه فیلسوف باشد تمرکز بر زندگی ایشان کاری بیهوده خواهد بود (گوردون رات^۱ و کندی^۲، ۲۰۱۹). خوشبختانه در مورد مری شپرد به سادگی می‌توان در برابر وسوسه پرداختن به زندگینامه مقاومت کرد. پاره‌ای از فلسفه‌ورزی‌های شپرد^۳ هستند، اما زندگی جالب‌توجهی نداشت.^۴ آنچه را باید بدانیم سریع و کوتاه بیان می‌کنم.

شپرد ۳۱ دسامبر ۱۷۷۷ در یک خانواده توانمند اسکاتلندی به دنیا آمد. در خانه درس خواند و در جوانی دلبسته فلسفه شد. در دهه بیست عمرش در فضای روشنفکری شهر ادینبورگ حضور داشت. در سی سالگی ازدواج کرد، نام خود را از مری پریمروز^۴ به مری شپرد تغییر داد و به لندن کوچ کرد. در آنجا میزبانی یک گردهمای ادبی^۵ را بر عهده گرفت، چند اثر

1. Gordon-Roth

2. Kendrick

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره زندگی او بنگرید به Brandreth (۱۸۸۶) یا McRobert (۲۰۰۰a).

4. Primrose

۵. مهمانان برجسته‌ای چون چارلز بابیج (Charles Babbage)، مخترع دو کامپیوتر نخستین، کامپیوتر تفاضلی و تحلیلی، الیزابت برت برانینگ (Elizabeth Barrett Browning) و ساموئل کالریج (Samuel Coleridge)؛ شاعر؛ اقتصاددانانی چون توماس مالتوس (Thomas Malthus) و دیوید ریکاردو (David Ricardo)؛ دانشمند و مروج، مری سامرویل (Mary Somerville)؛ و ویلیام وول (William Whewell) فیلسوف در این گردهمایی‌ها حضور داشتند. (Brandreth, ۱۸۸۶, ۴, ۱۸۸۸; see also Martineau, ۱۸۷۷, ۳۷۰-۳۷۱). بابیج و وول به‌خصوص از دوستان نزدیک بودند. تعدادی از مکاتبات شپرد با بابیج در (McRobert, ۲۰۰۲) در دسترس است.

فلسفی منتشر کرد و اندکی پس از زادروز شصت و نه سالگی اش درگذشت. نوشته‌های شپرد در زمان حیاتش خوانندگانی داشت^۱، اما هرگز به کانون معیار راه نیافتند و تنها به تازگی بار دیگر موضوع بحث شده‌اند.^۲ توجه دوباره به آثار شپرد حاصل تلاش‌های اخیر برای بازیابی آثار زنان عصر جدید و نیز، ارتباط ذاتی و هم‌سویی نظام فکری شپرد با برخی مطالعات در متافیزیک معاصر است.^۳

شپرد دو کتاب منتشر کرد: جستاری در باب رابطه علت و معلول^۴ و جستارهایی در باب درک جهان بیرونی^۵. اولی با نام مستعار و دومی با نام خودش چاپ شد و در صفحه عنوان کتاب دوم، نام او به عنوان نویسنده کتاب نخست نیز ذکر شد. سه مقاله او در نشریات چاپ شد: «ملاحظات بانو مری شپرد در باب "سرآمدهای ذهن بشر"»^۶ در پاریانا^۷؛ «در باب علل دید یک‌پارچه و هشیار»^۸ در مجله فلسفی^۹ و کالئیدوسکوپ^{۱۰}؛ و «متافیزیک بانو مری شپرد»^{۱۱} در مجله فریزر^{۱۲}. جستاری در باب رابطه علت و معلول، جستاری در باب درک جهان بیرونی^{۱۳} و «متافیزیک

۱. برای نمونه برای بحث‌های معاصر بر روی کار او به کتاب‌های فلسفی (۱۸۵۰) و فرن (۱۸۲۰)

۲. کارهای اخیر بر آثار شپرد شامل این‌ها می‌شوند:

Atherton (1996, 2011), Bolton (2011, 2017, 2019), Boyle (2017, 2018, 2020a, 2021), Fantl (2016), Fasko (2021), Folescu (2021), Graham (2017), Landy (2020a, 2020b), LoLordo (2019, 2020), McRobert (1999), Paoletti (2011b), Rickless (2018), Tanner (2022), and Wilson (forthcoming).

۳. بنگرید به Fantl (۲۰۱۶) و Wilson (در دست انتشار)

4. Essay upon the Relation of Cause and Effect (1824)
5. Essays on the Perception of an External Universe (1827)
6. "Observations by Lady Mary Shepherd on the 'First Lines of the Human Mind'" (1828a)
7. Parriana
8. "On the Causes of Single and Erect Vision" (1828b)
9. The Philosophical Magazine
10. Kaleidoscope
11. "Lady Mary Shepherd's Metaphysics" (1832)
12. Fraser's Magazine

۱۳. از این پس به این دو کتاب با اختصار جستار و جستارها اشاره خواهم کرد. م.

بانو مری شپرد^۴ به صورت رونوشت در مکرابرت^۱ (2000b) بازنشر شد. همچنین مکرابرت دو اثر را با نویسنده ناشناس مربوط به سال ۱۸۱۹ با عناوین پژوهش درباره رابطه علت و معلول^۲ و نظریه‌ای در باب زمین^۳ در بر می‌گرفت که آن‌ها را نیز به شپرد نسبت داده بود. البته، بویل^۴ به نحوی مجاب‌کننده این ادعا را رد می‌کند.^۵ افزون بر این، بویل (۲۰۱۸) گزیده‌هایی از تمام نوشته‌های شپرد را به‌طور موضوعی گردآورده است. متن کامل جستارها و «متافیزیک بانو مری شپرد» را می‌توانید در لولوردو (۲۰۲۰) بخوانید و کتاب گرت^۶ (در دست انتشار a) نیز جستار و نوشته‌های کوتاه دیگر او را در بر خواهد گرفت.

شپرد در جستار، که آن را در پاسخ به بحثی مستمر درباره نظریه علیت هیوم نوشته است،^۷ متافیزیک و معرفت‌شناسی بدیعی را از علیت طرح می‌کند. او قصد دارد نشان دهد که ما حقیقتاً بیش از آنچه طبق عادت خود را ملزم به دانستن می‌کنیم، می‌دانیم. برای نمونه، ما به‌واقع می‌دانیم هر چیزی که وجود داشته باشد علتی دارد. می‌دانیم که ابره‌های مشابه کیفیات مشابه دارند، و می‌دانیم که علت‌های مشابه، معلول‌های مشابهی دارند.

هدف شپرد در جستاری در باب رابطه علت و معلول، تعیین چگونگی کسب چنین دانشی است. دفاع او از دانش بشر در این کتاب بیشتر فلسفه هیوم

1. McRobert

2. Enquiry Respecting the Relation of Cause and Effect.

3. A Theory of the Earth

4. Boyle (2020b)

۵. جنیفر مکرابرت نیز می‌گوید که کتابی با عنوان فلسفه یکتاپرستی Philosophy of Theism که با نام مستعار در سال ۱۸۵۷ منتشر شده است متعلق به شپرد است (مکرابرت، چاپ‌نشده)، اما تا جایی که من اطلاع دارم پژوهشگر دیگری این ادعا را تأیید نکرده است.

6. Garrett

۷. شپرد اشاره می‌کند «اختلاف‌نظری که تقریباً کرسی ریاضیات را در یکی از دانشگاه‌هایمان به صاحب کنونی آن باخت» (جستار ۵). او به جان لسلی اشاره می‌کند که نظریه‌ی علیت هیوم را در حاشیه‌ی پژوهشی تجربی درباره‌ی طبیعت و انتشار گرمای خود An Experimental Inquiry Into the Nature and Propagation of Heat تأیید کرده بود. اختلاف‌نظر با مداخلات دوگلد استوارت (شرحی کوتاه درباره‌ی برخی حقایق مهم مربوط به گزینش اخیر استاد ریاضیات در دانشگاه ادینبورگ in vol ۷ of Stewart (۱۸۲۹)) و توماس براون (۱۸۳۵، ۱۸۰۶) ادامه یافت. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی ماجرای لسلی و مراقبه‌ی متعاقب آن بنگرید به پائولتی (۲۰۱۱a) و بوو (۲۰۱۳).

را نشانه گرفته است و تأکید می‌کند که نتایج ضد هیومی او «تنها بنیان‌های حقیقی پژوهش علمی، دانش عملی و باور به یک الوهیت خالق و ناظر است» (۱۹۴). به تعبیر دیگر، شپرد ادعا می‌کند که نظریه علیّت او تنها نظریه‌ای است که می‌تواند نیازهای علمی، زندگی روزمره و دین را تأمین کند. هرچند، همان‌گونه که در بخش ۵/۳ خواهیم دید، نتیجه‌گیری‌های یزدان‌شناسانه شپرد آن اندازه که شاید لفاظی او در آغاز گویای آن باشد، سستی نیستند.

در بخش ۲، درباره نظریه علیّت شپرد و برخی از دلالت‌هایش بحث خواهیم کرد. در بخش ۱/۲ با این اصل آغاز می‌کنم که هرچه که وجود داشته باشد، به ضرورت علتی دارد. در بخش ۲/۲، دو دلالت این اصل را بررسی خواهیم کرد: یکی اینکه علت و معلول هم‌زمان هستند، و دیگر اینکه علیّت به تمامی اجتماع ابژه‌های متعدد است. در بخش ۳/۲، به دومین اصل مهم علیّت شپرد نگاهی می‌اندازم: اینکه علت‌های مشابه به ضرورت معلول‌هایی مشابه دارند. در بخش ۴/۲، این ادعای شپرد را بررسی می‌کنم که علم ریاضیات مانند علم فیزیک بر این اصل متکی است که علت‌های مشابه معلول‌های مشابه دارند. او استدلال می‌کند که در واقع علم ریاضیاتی که به درستی فهم شود مشابهی از علم فیزیک است و هر دو به حقایق ضروری وابسته هستند.

کتاب دوم شپرد، جستارها، بسیار به کتاب جستار مرتبط است. شپرد در دیباچه جستارها توضیح می‌دهد که «نتیجه‌گیری‌های... استنباط‌شده... در جستار پیشین ابزارهایی هستند که در هدایت بحث این کتاب آن‌ها را به کار بسته‌ام» (جستارها، xii/۲۹)، و اینکه «موضوعات هر دو کتاب قابلیت این را دارند که مستقل از هم مطالعه شوند و درعین حال هر دو نوری مشترک بر یکدیگر می‌افکنند» (جستارها، xiv-xv/۳۰). قرار است هر کتاب موضوعات کتاب دیگر را روشن کند، چون شرح شپرد از شناخت جهان بیرونی به نظریه علیّت او وابسته است، در حالی که هم‌زمان

شرح او از شناخت جهان بیرون منتج به شرحی از سرشت جهان بیرونی می‌شود که فهم ما را از علیّت عمق می‌بخشد.

جستارها دو بخش دارد. بخش نخست، جستار درباره فلسفه دانشگاهی یا شک‌آورانه، آن گونه که جناب هیوم آن را برای درک هستی بیرونی به کار بسته است^۱ به رد استدلال هیوم در رساله^۲ مبنی بر اینکه عقل نمی‌تواند منجر به باور به وجود پیوسته و مستقل ابژه‌های بیرونی شود اشاره می‌کند.^۳ تلاش شپرد برای رد استدلال مبتنی است بر توضیح اینکه چگونه عقل می‌تواند منجر به این باور شود. او توضیح می‌دهد که عملاً تمام موجودهای انسانی به لحاظ شناختی سیال در اصل از خلال یک فرایند عقل‌ورزی «بالقوه» به باور به جهانی پیوسته، بیرونی و مستقل می‌رسند (جستارها ۱۴/۳۷). هدف شپرد صرفاً آشکار ساختن این عقل‌ورزی است. به این ترتیب، نه تنها در مخالفت با هیوم بلکه در مخالفت با توماس رید^۴ و دوگلد استوارت^۵ می‌نویسد. به ادعای رید و استوارت، چیزی مانند غریزه فطری منجر به باور ما به ابژه‌های پیوسته، بیرونی و مستقل می‌شود. در بخش ۱/۳، درباره شرح شپرد از شناخت جهان بیرونی، در بخش ۲/۳، درباره نظریه مرتبط با بینایی^۶، و در بخش ۳/۳، درباره شرح او از محدودیت‌های دانش ما از جهان بیرونی بحث خواهیم کرد.

شپرد در ارائه حجت برای وجود جهانی بیرونی این اصل را فرض می‌گیرد که هر چه وجود داشته باشد به ضرورت علتی دارد. او همچنین از دو استدلال که به لحاظ ساختاری به هم شبیه هستند، بهره می‌گیرد تا نشان

1. Essay on the Academical or Sceptical Philosophy, as applied by Mr. Hume to the Perception of External Existence

2. Treatise

۳. بنگرید به رساله ۲، ۴، ۱ (هیوم، ۲۰۰۱). من طبق استاندارد به این اثر به صورت کتاب، جزء و شماره بخش اشاره کرده‌ام.

4. Thomas Reid

5. Dugald Stewart

6. Vision

دهد که خدا وجود دارد و یک «خود»^۱ پیوسته و مستقل از حس‌های^۲ تک‌باشنده خود وجود دارد. او همچنین ادعا می‌کند که درست همان‌طور که تمام موجودهای انسانی به‌لحاظ شناختی سالم از استدلال عقلی برای کسب دانش درباره وجود جهانی پیوسته، مستقل و بیرونی بهره می‌برند، استدلال عقلی به‌لحاظ ساختاری مشابهی را برای کسب دانش درباره وجود یک «خود» پیوسته به کار می‌گیرند.^۳

در بخش ۱/۴، از استدلال شپرد به‌نفع شناخت یک «خود» پیوسته می‌گویم و در بخش ۲/۴، نظرگاه‌های او را نسبت به رابطه ذهن-بدن شرح می‌دهم. در بخش ۳/۴، به اذهان و اندام‌های حسی حیوانی، در بخش ۴/۴، به زندگی پس از مرگ و در بخش ۵/۴، به تفرد اذهان می‌پردازم. در بخش ۵، از شرح شپرد درباره دین و نیز نظرات او در باب معجزات و قوانین طبیعت (بخش ۱/۵)، همچنین وجود خدا (بخش ۲/۵) و سرشت خالق قدسی (بخش ۳/۵) خواهم گفت. در بخش ۶، با بازبینی توصیف شیروان متافیزیک خود به‌مثابه یک «نظریه بارکلیانی تعدیل‌شده»^۴ به بحث خود خاتمه می‌دهم. (توصیفی که ممکن است در آغاز با توجه به ضدیت او با ایده آلیسم، برای خوانندگان عجیب به نظر برسد، اما روشن می‌شود که با نظر به شیوه‌ای که بر اساس آن متافیزیک شپرد خدا را بنیان جهان قرار داده این توصیف کاملاً درخور است.)

نوشته‌های کوتاه شپرد به درون‌مایه‌هایی از کتاب جستارها بازمی‌گردد، و

1. Self

از این پس در متن برای متمایز کردن این خود آن را در گیومه می‌آورم. - م.

2. Sensations

۳. جالب است توجه داشته باشیم که او نمی‌گوید که تمام موجودات انسانی به‌لحاظ شناختی سالم از استدلال عقلی یکسانی بهره می‌برند تا به وجود خدا پی ببرند. من احتمال می‌دهم این بدان علت است که او وجود ملحدان را به رسمیت می‌شناسد. گرچه، اینکه به نظر او تفاوت در چیست پرسش جالبی است. آیا او تصور می‌کند که برهان برای اثبات وجود خدا صرفاً به فکر هرکسی خطور نمی‌کند، اما براهین اثبات وجود «خود» و جهان بیرونی به ذهن همه خطور می‌کند؟ اگر چنین است، علت چیست؟ از طرف دیگر، آیا او فکر می‌کند آنگونه که براهین اثبات وجود «خود» و جهان بیرونی ایمان را ایجاد می‌کنند، برهان اثبات وجود خدا نمی‌کند؟ باز اگر چنین است، چرا؟

4. Modified Berkeleyian theory

بحث من درباره آن‌ها با بحث از آن درون مایه‌ها درهم تنیده خواهد شد. در «در باب علل دید یکپارچه و هشیار» (شپرد، ۱۸۲۸)، شپرد تلاش می‌کند تا دو پرسشی را پاسخ دهد که رید در کاوش^۱ (رید، ۱۷۶۴) مطرح کرده بود. نخست، از آنجا که ما هم‌زمان با دو چشم می‌بینیم، چرا چیزها را دو تانمی‌بینیم؟ دوم، از آنجا که اشیاء به شکل وارونه روی شبکیه چشم «نقش می‌بندند»، چرا اشیاء را وارونه نمی‌بینیم؟

به نظر می‌رسد مقاله دیگر شپرد به سال ۱۸۲۸ و با عنوان «ملاحظات بانو مری شپرد در باب "سرآمدهای ذهن بشر"» (شپرد، ۱۸۲۸)، به یک معنا غیرمنتظره بوده باشد. شپرد بر کتاب سرآمدهای ذهن بشر^۲ (فرن، ۱۸۲۰) اثر فیلسوف جان فرن^۳ یک رشته اظهارنظرهای کوتاه نوشته بود. به گفته خودش، بنا بوده این اظهارنظرها صرفاً در قالب ارتباط خصوصی بمانند. با وجود این، فرن آن‌ها را همراه با پاسخ خود منتشر می‌کند. آخرین مقاله‌ای که شپرد منتشر کرد با عنوان «متافیزیک بانو مری شپرد» ادامه مباحثه با جان فرن است. این مقاله نقد مفصلی است از نظریات فرن. همچنین چهارچوب کلی متافیزیک خودش را نیز در بر می‌گیرد. این چهارچوب کلی مشخصاً به دو صورت، کتاب جستارها را تکمیل می‌کند: به نحوی معنادار تقابل میان طبیعت حس آگاه و بی‌حس را بسط می‌دهد و به ملاحظات کوتاه کتاب جستارها درباره حرکت نامحسوس جزئیاتی می‌افزاید و آن‌ها را اساس شرح ماده^۴ قرار می‌دهد. بنابراین، مقاله «متافیزیک بانو مری شپرد» برای فهم سرشت ماتریالیسم شپرد مهم است. هم شرح شپرد از حرکت نامحسوس و هم تفاوت‌های مقاله «متافیزیک بانو مری شپرد» و آثار پیشین شپرد ارزش توجه بیشتر در نوشتار پسین را دارند.

1. Inquiry
2. First Lines of the Human Mind.
3. John Fearn
4. Matter